۲۴۸ - ای ياران

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۴۸ - ای ياران

ای ياران، الحمد للّه سر گشته باديه عشقيد و گمگشته صحرای محبّت اللّه معتکف کوی ياريد و پريشان آن زلف مشکبار در سبيل الهی بی سر و سامان شديد و بعشق جمال مبارک رسوا و پريشان، سرگشته‌ايد و سودائی و گمگشته‌ايد و شيدائی اين موهبت را قدر بدانيد و اين فضل و کرم را مغتنم شمريد. عنقريب ملوک و مملوک و وزير و امير و توانگر و درويش کلّ در تحت طبقات تراب مطمور و بی نام و نشان در زوايای قبور و شما هر يک مانند نجم بازغ از افق حقيقت بر عالم وجود ساطع بمرور اعصار و قرون لامع عزّت ابديّه شما روز بروز افزون گردد و در انجمن بالا با رخی روشن چنان جلوه نمائيد که پرتو نورانی بر قرون و اعصار بتابد. لهذا بايد دمبدم بکوشيد تا سبب نورانيّت عالم شويد و شب و روز خدمت نمائيد تا باعث هدايت من فی الوجود گرديد طبيبان حقيقی شويد عليلان را شفا بخشيد و زخمها را مرهم نهيد نادانان را علم و عرفان بياموزيد و گمگشتگان را بسبيل نجات دلالت نمائيد جامی ديگر بدور آريد و صهبائی ديگر بنوشانيد و نشئه‌ای ديگر بخشيد.

